



دفاع از تشیع

صادق حسن زاده

یکی از علل مهم گسترش و بالندگی مکتب تشیع، گفتگو و مناظره امامان (ع) و فرزندان شیعه با مخالفان فکری و عقیدتی خود بوده است. در عصر پیامبر اسلام، ادیان دیگر به ویژه یهودیت و مسیحیت، با انگیزه های مختلف به ایجاد شک و شبهه علیه اسلام پرداختند که خداوند متعال از زبان آیات قرآنی پاسخ آنان را به پیامبرش ابلاغ می کرد، تا اینکه مکتب نجاتبخش اسلام برتری و قدرت یافت.

با ارتحال جانگداز رسول اکرم (ص) تهاجم فرهنگی و عقیدتی از دو جبهه شروع شد: از یک سو ادیان ورشکسته (یهودیت و مسیحیت و زنادقه) بر اسلام تاختند و از دیگر سو گروه هایی از خود مسلمانان بودند که با تمام جدیت برای به دست گرفتن قدرت و حکومت، آیات قرآن و احادیث صریح پیامبر را درباره امامت، تحریف معنوی و یا انکار عملی و جعل احادیث مشابه نمودند و وقتی حاکمیت یافتند برای توجیه کارهای خود، دست به تغییر مبانی اصیل اسلامی زدند و قائل به جبر و انتخاب خلیفه به وسیله مردم و غیره شدند. حضرت علی (ع) در برابر این تهاجم فکری، تدابیری اندیشید که بسیار کارآمد بود و شیطنت های آنها را نقش بر آب کرد.

گفتنی است که اقدامات مخالفان علی (ع) هم بسیار قوی بود؛ چنانکه گروهی از مسلمانان را به زور شمشیر و جمعی را با سیم و زر و برخی را هم با تدبیر و ایجاد شبهه به طرف خود کشیدند. گواه این مطلب، حدیث «ارْتَدَّ النَّاسُ إِلَّا ثَلَاثَةً...»^۱ می باشد.

دفاع از تشیع (ترجمه الفصول المختارة). ترجمه آقا جمال خوانساری (وفات ۱۲۲۲ق). تصحیح: صادق حسن زاده با همکاری علی اکبر زاهدی، قم، چاپ سلمان فارسی، ۱۳۷۷، ۷۱۳ص، وزیری.

به هر حال، حضرت علی (ع) با دفاع از اسلام ناب محمدی که همان «مکتب تشیع» است، به بحث های کلامی روح تازه ای بخشید. از همین روست که مسائل عقلی و فلسفی در مکتب تشیع جایگاه ویژه ای دارد.

از میان ائمه اطهار (ع) پس از امیر مؤمنان، حضرت امام جعفر صادق (ع) و امام رضا (ع) و اصحاب ایشان در پیشبرد و بارورسازی علم کلام، تأثیر شایانی داشتند. مخصوصاً در عصر امام صادق (ع) بازار مناظرات مذهبی و فرقه ای و حتی مباحثات و گفتگوی بین ادیان (بین اسلام و یهودیت و مسیحیت و زردشتیگری) و

۱. رجال کشفی، ج ۱، ص ۴۶.

از هم بگسلند.^۳ شهر بغداد در آن روزگار، به عنوان مهم ترین مرکز علمی و سیاسی جهان اسلام به شمار می رفت و از ویژگی های خاصی برخوردار بود. آل بویه و حمدانیان که شیعه مذهب بودند، قدرت یافته از دانشمندان شیعه حمایت می کردند، یا حداقل از آن آزار و اذیت هایی که قبلاً بود، جلوگیری می کردند و این فرصت خوبی بود تا دانشمندان به دفاع از حقایق مذهب امامیه برخیزند.

این مسئولیت بزرگ را در بغداد شیخ مفید به عهده داشت و شاگردان برجسته ای از قبیل شریف رضی، سید مرتضی، شیخ طوسی، ابوالعباس نجاشی، قاضی ابوالفتح کراچکی و... را تربیت نمود که هر کدام در دفاع از مبانی شیعه تلاش های چشمگیری انجام دادند. از طرف دیگر شیخ مفید با بزرگان فرقه معتزله، اشاعره و مذاهب گوناگون اهل سنت و حتی فرقه های شیعه از قبیل زیدیه و اسماعیلیه به بحث و مناظره حضوری و شفاهی می پرداخت، که نمونه های آن را می توان در کتاب ارزنده «الفصول المختارة» دید. این بحث گاهی در خانه شیخ مفید که محل رفت و آمد بزرگان همه مذاهب بود، صورت می پذیرفت^۴، و گاهی در مساجد و محافل علمی انجام می گرفت؛ حتی در مجالس ترحیم. سید مرتضی - رحمه الله - می گوید:

شیخ مفید با قاضی ابوبکر - که از دانشمندان اهل سنت است - روز وفات ابو عبدالله محمد بن محمد بن طاهر موسوی - رحمه الله - که از مشایخ روایت شیخ مفید بود، در منزل وی در بغداد حاضر شد. در آن مجلس گروه کثیری از سادات و فرزندان گان عباس و جمعی از بزرگان تجار و مسافران حضور داشتند. پس از پاره ای گفتگو درباره نص بر ولایت حضرت امیر (ع)، شیخ مفید آنچه مناسب مقام بود، فرمود. بعد از آن قاضی ابوبکر به شیخ گفت: «مرا خبر ده از حقیقت نص و از معنای لفظ نص...»^۵

البته همه این بحث ها با متانت علمی و دور از کشمکش های عوامانه مطرح می شد. از همین رو نتایج بسیار خوبی برای مکتب تشیع داشت و بسیاری از برادران اهل سنت را به تشیع مایل کرد؛ به طوری که خطیب بغدادی که بسیار متعصب بود، چنین می نویسد: «به وسیله شیخ مفید گروهی از مردمان به هلاکت رسیدند»^۶. شیخ مفید در این بحث ها قدرت استدلال

آزاداندیشان و زنادقه یعنی کسانی که پیرو شریعت نیستند، بسیار گرم بود و مکتب کلامی معتزله با قدرت و صلابت کم نظیری شکل یافته بود، و مباحثات کلامی بین فرقه ای در میان فرقه اسلامی، حتی فرقه های گوناگون شیعه جریان داشت. و مخصوصاً آغاز ترجمه کتب فلسفی، یونانی، حیات فرهنگی قرن دوم هجری را بارور ساخته بود. مهم ترین مباحث کلامی این دوره امامت و به تبع آن مسأله تحکیم (حکمیّت)، حکم مرتکب کبیره، ... و مسأله ارجاء بود... بعضی از متکلمان شیعه در قرن دوم هجری عبارتند از: زرارة بن أعین، محمد بن علی بن نعمان بن ابی طریقه بجلی، هشام بن حکم... بعضی از متکلمان بزرگ شیعه در قرن سوم هجری عبارتند از: فضل بن شاذان... حکم بن هشام بن حکم...^۲

سده چهارم تاریخ اسلام، سده ای پر جوش و خروش بود؛ پر جوش و خروش در سیاست و پر جوش در علم. سیصد سال از ظهور اسلام می گذشت؛ فلسفه یونان ترجمه شده بود؛ کتاب های دیگری نیز به حوزه علوم مسلمین پا گذاشته بودند؛ پسران سیاست های گوناگون، سرتاسر ممالک اسلام را میدان تکاپوی خویش قرار داده بودند؛ در حدیث و تفسیر کتاب هایی تألیف شده بود؛ محدثان و مفسران آرای خود را اظهار کرده بودند؛ کتاب هایی در تاریخ اسلام و تاریخ خلافت اسلامی، گردآوری شده بود، که پیشینه اسلام را، اگر چه با نقص و جانبداری، پیش چشم ها می گذاشت؛ عقاید شناسان و متکلمان به مکتب های خود شکل داده بودند؛ پایه های مذاهب فقهی ریخته شده بود، و مردم در پیروی از فقیهان دسته بندی شده بودند؛ علوم لغت و ادب و بلاغت نضج گرفته بود؛ شاعران، فراوان گشته بودند و شعر از مفاهیم صحرا به مفاهیم تمدن گراییده بود. حضور رهبران عقاید مختلف، نفوذ حکومت های اطراف، نشر مکاتب فکری و فلسفی و نظرات ویژه دانشمندان مشهور، بر خورد اعتقادات و مسلک ها، آشوب آرامی ناپذیر افکار، اینها همه عواملی بود که سطح آرامی در زندگی قرن چهارم اسلام باقی نمی گذاشت، و باعث می شد تا قدرت های سیاسی بتوانند وحدت کلی اسلامی را و انسجام خلاق را در امت، دچار تزلزل و به هم ریختگی کنند و آن شیرازه استوار را

۲. تشیع، جمعی از نویسندگان دائرة المعارف تشیع، ص ۶۰-۶۱.

۳. ر. ک: میرحامد حسین، استاد محمدرضا حکیمی، ص ۱۵-۱۶.

۴. منتظم ابن جوزی، ج ۸، ص ۱۱.

۵. ر. ک: الفصول المختارة، ص ۴۱.

۶. تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۲۳۱، شرح حال شماره ۱۲۹۹.

و دیدن این مناظره‌ها، قدرت استدلال و شیوه «بحث مفید» را به نگهبانان حقایق اعتقادی، بخصوص طلاب جوان، می‌آموزد...^{۱۱}

آقا جمال خوانساری نیز در مقدمه ترجمه اش می‌فرماید:

مشمول بر بسی از فواید و معانی دقیقه و مناظرات لطیفه است و الحق هر بابی از آن بوستانی است پر گل و ریحان و روضه‌ای است مزین به لاله نعمان و هر مجلسی از آن به زینت مملو از نکته‌های غریب تمام قدسی وطن و فکرهای نازک جمله گل پیرهن

عبدالرزاق محیی الدین که از محققان اهل سنت و آشنایان با آثار سید مرتضی است، می‌گوید:

اهمیت کتاب، بیشتر به آن است که تلاش شیعه را در زمینه جدک، کلام و فقه - از صدر اسلام تا روزگار مؤلف - و نیز جلسات بحث شیعه را با مخالفان خود ترسیم می‌کند. بحث‌هایی نیز درباره پیدایش فرقه‌های شیعه و تاریخ آنها و موارد اختلاف و اتفاق این فرقه‌ها دارد.^{۱۲}

اهمیت دیگر این کتاب این است که اختلاف نظر شیعه با معتزله را نشان می‌دهد و برداشت غلط آدام متز - شرق شناس سوئیسی - را باطل می‌کند؛ وی شیعه را وارث و ثمره معتزله دانسته می‌نویسد:

از نظر عقاید و روش کلامی، شیعه وارث معتزله است و کم اعتنایی معتزلیان به نقلیات از جمله مواردی بود که با مقاصد شیعه می‌ساخت. شیعه در قرن چهارم مکتب کلامی خاص نداشت و مثلاً عضدالدوله که از فرمانروایان متمایل به تشیع بود، طبق مذهب معتزله عمل می‌نمود. از فرمانروایان قرن چهارم تنها فاطمیان شیعه بودند که به تصریح «مقدسی» در بیشتر مبادی با معتزله توافق داشتند...^{۱۳}

متأسفانه بعضی از محققان مسلمان نیز چنین طرز تفکر غلطی پیدا کرده‌اند. چنانکه عبدالرزاق محیی الدین می‌نویسد: ... علم کلام هم شعبه و شاخه‌ای از فلسفه بود. تشیع نیز گرایش و شاخه‌ای از اعتزال به شمار می‌رفت (اگر نگویم اعتزال در اعتزال بود) بسیاری از وزیران شیعه،

و ابتکارات خود را نمایان می‌ساخت و تسلط شگفت انگیز او بر آرا و افکار متکلمان گذشته و معاصر همه را شگفت زده می‌کرد. حتی می‌گویند او بسیاری از کتاب‌های مخالفان شیعه را به خاطر سپرده بود.^۷ یکی از علمای معتزله بحثی در خصوص «اجماع اُمت» مطرح می‌کند و شیخ با روش ویژه خود آنچنان استدلال می‌کند که او از پاسخ درمی‌ماند. آنگاه شیخ می‌فرماید: «به عمر خود قسم که [این پاسخ] از آن چیزهایی است که احدی سبقت نگرفته است بر من در استخراج آن».^۸ در یک مورد، شیخ مفید به یک سؤال چندین پاسخ می‌دهد و سپس می‌فرماید: «جواب‌های اول به خاطر من رسیده و کسی دیگر نگفته».^۹ در ترجمه الفصول المختارة این سخن از زبان شیخ نقل شده است:

گفت به من شیخی از حاذقان معتزله و اهل تدین به مذهب خویش از آن طایفه، اراده سؤال کنم از تو از مسأله‌ای که به خاطر من رسیده و پرسیده‌ام آن را از جماعتی که دیده‌ام از متکلمین امامیه در خراسان و فارس و عراق و جواب نگفته‌اند از آن، جوابی که ساکت سازد مرا... واللّه! این [پاسخ شیخ] جوابی است ظریف و تازه و نشینده‌ام این را از احدی پیش از این...^{۱۰}

در کتاب الفصول المختارة غیر از مناظرات شیخ مفید، گفت و گوهای علمای دیگر شیعه با مخالفان آمده است؛ از جمله آنها مناظره هشام بن حکم با ضرار بن عمرو ضبّی، یحیی بن خالد برمکی و عبدالله بن اباضی که از سران خوارج است، و بحث سید حمیری با سوار قاضی و شعرهای آتشین او علیه قاضی در حضور منصور عباسی، و گفت و گوهای ابوالحسن علی بن میثم با ابوالهذیل علاّف و یک مرد نصرانی، و پاسخ‌های نغز فضل بن شاذان به مخالفان و مطالب و مسائل جالب دیگر. شیخ مفید بحث مفصلی - حدود پنجاه صفحه - درباره افکار کفرآمیز ابراهیم نظام (استاد جاحظ) آورده است که در واقع نقد مطالب بی‌اساس کتاب فقیما نوشته جاحظ است. در قسمت پایانی کتاب، شیخ به معرفی فرقه‌های مختلف شیعه پرداخته و بحثی نیز درباره فلک و بررسی صحت و سقم و توجیه حدیث نَحْنُ مَعَاشِرُ الْاَنْبِيَاءِ لَا نُورُثُ دَارِد.

استاد محمدرضا حکیمی می‌فرماید:

الفصول المختارة کتابی است پر مطلب و مفید؛ بویژه از این نظر که در آن، مناظره‌های بسیاری آورده شده است.

۷. ر. ک: سیر اعلام النبلاء قصبی، ج ۱۷، ص ۲۴۴.
 ۸. ر. ک: ترجمه الفصول المختارة، ص ۶۱.
 ۹. همان، ص ۲۲۷.
 ۱۰. همان، ص ۲۳۲.
 ۱۱. میرحامد حسین، ص ۵۰.
 ۱۲. شخصیت ادبی سید مرتضی، ص ۱۰۹.
 ۱۳. تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ج ۱، ص ۷۸-۷۹.

«الفصول» را به مؤلف آنها. ۱۷

تردیدى نیست که تدوین و تنظیم «الفصول المختارة» ی موجود از سوى شاگرد معروف و برجسته او، شریف مرتضى علم الهدى -رحمه الله- است؛ چرا که در جای جای کتاب می گوید: «حدیث کرد مرا شیخ -ادام الله عزه»، «خبر داده است مرا شیخ -ایده الله تعالی»، «از کلام شیخ -ادام الله عزه- است»، «از حکایات شیخ است» و... در موردی هم ضمن تصریح به نام خود توضیحاتی درباره یکی از فصل های کتاب از شیخ مفید، خواسته است:

شریف ابوالقاسم علی بن الحسین الموسوی گوید من سؤال کردم از شیخ -ادام الله عزه- که زیاد نماید و واضح کند این فصل را برای من...

بدین ترتیب معلوم می شود غیر از تلخیص کتاب، توضیحاتی از شیخ مفید و یا از خود شریف مرتضى بر آن افزوده شده است؛ چنانکه می نویسد:

نقل کردم روزی به خدمت شیخ مفید -ایده الله- چیزی را که ابو جعفر محمد بن عبدالرحمن بن قبه رازی آن را در کتاب «انصاف» ذکر کرده... پس شیخ فرمود...

اما علت تلخیص و فراهم آوردن این کتاب، همان است که سید مرتضى در اول کتاب گفته است؛ یعنی پاسخ به درخواست یکی از علاقه مندانش.

تو -که خدا مؤیدت بدارد- از من خواسته بودی که مطالبی را از کتاب «المجالس» و نکته هایی هم از کتاب العیون والمحاسن» شیخ و مولا و سرور ما، ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید، گردآوری و گزینش نمایم تا بتوانی در سفر خود از آن کتاب بهره مند شوی و یاد و ذکر او را در اقامتگاه و شهر خود گسترش دهی و به نشر مطالب آن پردازى و من به این تقاضای تو پاسخ مثبت دادم تا تو را خوشحال نمایم و رغبتی هم در آن چیزی که در نزد خداوند متعال است به وسیله این اجابت، نصیب خود سازم.

سید مرتضى در سال ۳۷۳ هجری قمری مشغول تألیف این کتاب بوده است. چنانکه می نویسد:

گفته است شیخ -ادام الله عزه- پس چون وفات کرد ابو محمد امام حسن عسگری -علیه السلام-، متفرق شدند اصحاب آن حضرت (ع) به چهارده فرقه؛ بنابراین

۱۴. شخصیت امینی سید مرتضى، ص ۳۳.

۱۵. الانصاف، ص ۱۹۲.

۱۶. رجال النجاشی، ص ۳۹۹-۴۰۰.

۱۷. المقالات والرسالات، کنگره شیخ مفید، ج ۱، ص ۲۷۰.

معتزلی بودند. آنها از این تفکر حمایت کرده و به نشر آن کمک می کردند. ۱۴

دانشمندان و عالمانی که اکثر آنها معتزله هستند و با شیخ مفید بحث کرده اند یا نظرات و آرای آنها در این کتاب نقد شده است، عبارتند از: قاضی ابوبکر احمد بن سیار، ابوالهذیل علاف، کتبی، ابو عمرو شطوی، ضرار بن عمرو ضبی، قاضی ابو محمد عمانی، ابوبکر بن دقاق، ورتانی، ابوالحسن خیاط، ابوالقاسم کعبی، عبدالله بن کلاب، سوار قاضی، ابوبکر بن صرایا، ابو عثمان جاحظ و ابراهیم نظام. بدین ترتیب تمایز شیعه از معتزله آشکار می گردد.

کتاب الفصول المختارة از کیست؟

نام کامل کتاب، الفصول المختارة من العیون والمحاسن است و همان طور که از دیباچه کتاب به دست می آید این کتاب برگزیده ای از مطالب دو کتاب شیخ مفید، یعنی کتاب المجالس المحفوظه فی فنون الکلام و کتاب العیون والمحاسن می باشد. البته از این دو کتاب اطلاعی در دست نیست؛ جز اینکه خود شیخ مفید در کتاب الانصاف فی الامامة بحثی درباره آیه نزول سکینه (آیه ۲۶، سوره فتح) می کند و تفصیل آن را به کتاب العیون والمحاسن خود ارجاع می دهد. ۱۵ نیز ابوالعباس نجاشی -شاگرد شیخ مفید- در کتاب رجالش از هر دو کتاب استادش نام برده است. ۱۶ نجاشی کتاب دیگری را به نام الفصول من العیون والمحاسن جزو تألیفات شیخ آورده است و این مطلب سبب شده تا این سؤال پیش آید که آیا این کتاب، همان الفصول المختارة است؟ یا کتاب دیگری است؟ استاد عبدالعزیز طباطبایی می فرماید:

... شیخ طوسی، نجاشی و ابن شهر آشوب، هیچ کدام کتاب «الفصول المختارة» را جزو مصنفات شریف مرتضى ذکر نکرده اند آیا آنها انتساب «الفصول المختارة» را به شیخ مفید اولی دیده اند از انتساب آن به شریف مرتضى؟ یا اینکه شیخ مفید نیز کتابی به نام «الفصول من العیون والمحاسن» داشته که به دست ما نرسیده است و آن کتاب غیر از «الفصول المختارة» شریف مرتضى بوده؟ اما شیخ ما صاحب الدرر -رحمه الله- آن دو کتاب را یکی ندانسته بلکه به تغایر آنها حکم داده و متمسب ساخته هریک از

گرامی در امتثال این امر سامی از زنگ تعطیل زدودم ...
حاجی الحرمین احمدییک که قباب عمرش به اطناب
خلود مطین است و خیام ایامش به اوتاد دوام موقت.^{۲۱}

آقا جمال خوانساری از نظر علم و فضل و تقوا و حسن
اخلاق و سلوک با مردم - به اعتراف معاصرانش - از رتبه ای بلند
برخوردار بود. صاحب ریاض العلماء او را فاضل، حکیم،
محقق، مدقق دانسته^{۲۲} و میرزا محمد طاهر نصرآبادی نیز او را
ستوده و چند رباعی از او نقل کرده است.^{۲۳} صاحب جامع الرواة
او را «جلیل القدر، عظیم المنزلة، رفیع الشأن ...» معرفی نموده
است.^{۲۴} و محدث قمی می نویسد: «... صاحب تصانیف رانقه
که از ملاحظه آنها معلوم می شود جودت فهم و حسن سلیقه و
صفای ذهن او به خصوص در فهم ظواهر احادیث و
تراجم ...».^{۲۵} فاضل کشمیری درباره حاشیه او بر شرح لمعه،
می گوید: «... از مصنفات شریفه اوست حاشیه شرح لمعه که
بهترین حواشی است، نظیر ندارد».^{۲۶} ملا عبدالکریم جری نیز
می نویسد: «صاحب کتاب های خوب است؛ مثل حاشیه بر
شرح لمعه که بسیار با تحقیق و پرفایده است».^{۲۷}

گفتنی است که ترجمه الفصول المختارة نخستین بار به همت
مرحوم جناب آقای مشار در سال ۱۳۳۹ ش. تصحیح و منتشر
شد. نگارنده جهت تکمیل و عرضه بهینه این اثر ارزشمند، یک
بار دیگر آن را به دقت با متن عربی مقابله کرده و هنگام تصحیح،
سه نسخه خطی دیگر را به یاری گرفته است. اینک این ترجمه
کهن از کتاب الفصول المختارة به تصحیح نگارنده و با نام دفاع
از تشیع یا مناظرات از سوی کنگره بزرگداشت محقق
خوانساری، زیور طبع را به خود آویخته است.

۱۸. آقا حسین خوانساری را ذوالجمالین می گفتند زیرا نام پدر و پسروی
جمال الدین بوده است. ر. ک: صفاء، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران،
ج ۵، ص ۳۱۵.

۱۹. ر. ک: محدث ارموی، شرح فروع الحکم، ج ۱، ص ۱۶۴. این لقب به
دلیل جامعیت مرحوم آقا جمال خوانساری و اعتراف همگان به فضل
وی است.

۲۰. همان.

۲۱. ر. ک: مقدمه کتاب ترجمه الفصول المختارة.

۲۲. ریاض العلماء، ج ۱، ص ۱۱۴.

۲۳. همان.

۲۴. جامع الرواة، ج ۱، ص ۱۶۴.

۲۵. الفوائد الرضویه، ص ۱۸۳.

۲۶. نجوم السماء، ص ۱۹۱.

۲۷. تذکره القلوب، چاپ آقای مهدوی، ص ۸۸.

آنچه ذکر کرده و حکایت نموده است این را ابو محمد
حسن بن موسی (نوبختی) رحمه الله ... به درستی که
نیست از این فرقه ها که نام بردیم فرقه ای موجود در زمان
ما که سال ۳۷۳ هجری قمری است، سوای فرقه امامیه
اثنی عشریه ...

مترجم الفصول المختارة

جمال الدین محمد خوانساری معروف به «آقا جمال» و
«جمال المحققین» فرزند آقا حسین خوانساری معروف به
«محقق خوانساری»، «ذوالجمالین»^{۱۸} و «استاد الكل فی الكل»
عند الكل»^{۱۹} است. پدر و پسر هر دو از دانشمندان سرشناس
شیعه هستند که جامع معقول و منقول بودند و در گسترش علوم
اسلامی زحمات زیادی متحمل شده و تألیفات ارزنده ای به
جهان اسلام عرضه کرده اند.

نظر به آنکه سلاطین صفویه که با وی معاصر بوده اند از ادب
تأمه به وی و به پدرش داشته اند، به مقام تجلیل و تعظیم و
بزرگداشت وی چنانکه شاید و باید برآمده و به وظایف ترویج
وی - کما هو حقّه - قیام نموده اند و در آن ضمن، استفاده تمام را
از کمالات وی نموده اند. از جمله آن استفادات آن است که
چون آقا جمال مرحوم، علاوه بر حیات مقام بلند و پایه ارجمند
فضل و کمال، خوش قلم و دارای تقریر و بیان بسیار فصیح به
زبان شیرین فارسی بوده است، سلاطین معاصر وی درخواست
و مسئلت نموده اند چند کتاب مهم را از عربی به فارسی ترجمه یا
شرح نماید. وی نیز اجابت فرموده و به انجام این امر و انجام این
مسئلت پرداخته است.^{۲۰}

مرحوم آقا جمال خوانساری «الفصول المختارة» را به
درخواست حاجی احمد بیک یکی از ارکان دولت شاه سلیمان
صفوی ترجمه کرد. او خود می نویسد:

اشاره برق آسای یکی از ارکان بنیان دولت، تازیانه برق
عزیمت گردید، نسیم پیام اصلی از اصول دوحه ملک و
ملت گره گشای غنچه تعویق شد. دامن سعی در میان
بستم و سلسله سایر علائق از کمر اهتمام گسستم و شب
و روز بیاض دیده و سواد حدقه را وقف سیاه و سفید
مشاغل کاغذ و مداد نمودم و گاه و بیگاه آینه اوقات